

بهترین نظام سیاسی آنست که به خواست
مای شروندان احترام گذاشته و زمینه توسعه و
رفاه را برای آنها فراهم نماید.

ابوالحسین یاسر
رئیس حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان



هفته نامه سرخس

مرکز ستره‌ی سیاست، فرهنگ و جامعه

شماره مسلسل پنجاه و نهم

چهارشنبه ۲۳ میزان ۱۳۹۹ * ۱۴ October ۲۰۲۰

برگزاری جلسه مشورتی احزاب و جریان های سیاسی



روز یک شنبه مورخ
۲۰ / ۷ / ۱۳۹۹ دستة از
رؤسای احزاب و جریان
های سیاسی در دفتر حزب
حرکت اسلامی متحد
افغانستان حضور بهم
رسانیدند. آنها در رابطه
با وضعیت جاری کشور،
با هم مباحثه و گفتگو
نمودند. چالش های که
فراروی وضعیت سیاسی-
امنیتی کشور است
بر شمرده و به یک
سازوکاری برای رهایی از
بن بست سیاسی-امنیتی
توافق نمودند و حاصل
همه بررسی ها این بود
که نسبت به تمامیت
ارضی و منافع ملی مان
احساس مسئولیت کرده
و برای بهبودی وضعیت

سیاسی تلاش های جدی بعمل آوریم و
افرادی که شرکت ورزیده بودند ذیل ذکر
می شود:
۱- محترم سید هادی هادی رهبر حزب
حرکت اسلامی ملت افغانستان
۲- محترم الحاج عبدالغنی کاظمی رئیس

- ۱- محترم استاد الحاج شاه جهان احمدی
معاون حزب حرکت اسلامی متحد
افغانستان
- ۲- محترم دکتر سید ابراهیم کامل رئیس
حزب حرکت اسلامی ثبات افغانستان
- ۳- محترم سید ظاهر مسرور معاون حزب
حرکت اسلامی آزاد افغانستان
- ۴- محترم الحاج جواد محسنی رئیس
شبکه جهانی تلویزیون تمدن
- ۵- محترم سید ظاهر مسرور معاون حزب
حرکت اسلامی متحد افغانستان
- ۶- محترم استاد الحاج شاه جهان احمدی
معاون حزب حرکت اسلامی متحد
افغانستان
- ۷- محترم ابوالحسین یاسر رئیس حزب
حرکت اسلامی متحد افغانستان
- ریاست امور فرهنگی
حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان

سخنرانی چیست؟

محمد صفا قرزه بیس

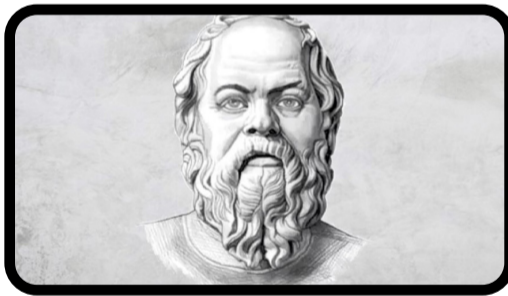


سخنرانی یک پروسه‌ی است که دارای شروع و انجام باشد که در برگیرنده بداهه،
مقدمه، بدنه و نتیجه بوده و هدف آن جذب و اقناع مخاطب می‌باشد.
موارد ۱۲ گانه نیازهای یک سخنران
۱: داشتن اعتماد به نفس:
اعتماد به نفس یعنی احساس توانمندی و قدرت این‌که احساس کنی کاری را
انجام داده می‌توانی.
* اگر شما احساس می‌کنید، که سخنرانی می‌توانید اعتماد به نفس بالایی
دارید.

- * نشانه‌های سخنرانان که اعتماد به نفس پایین دارند:
- * میگویند سخنرانی بسیار کار مشکل است.
- * میگویند شاید نتوانم سخنرانی کنم.
- * ترس از اشتباه کردن دارند.
- * ترس از نظر و قضاوت دیگران دارند.
- راه حل:
- * افکار مثبت را جایگزین افکار منفی کنید.

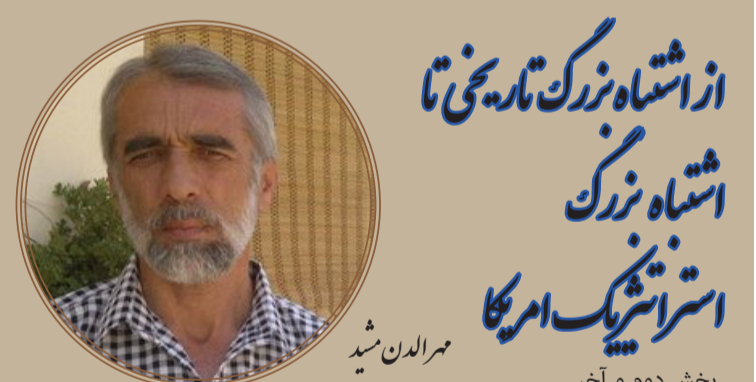
ادامه ص ۳

سقراط چگونه شهروندی بود؟



نویسنده: جوزا اور
ترجمه: وب‌سایت ترجمان

بخش دوم
درواقع، سقراط به‌خوبی می‌دانست
که مجمع شهروندان ممکن است
دچار اشتباهات بسیار فاحشی شوند.
هفت سال پیش از محاکمه، او
به‌مدت یک سال عضو یک شورای
شهروندی پانصدنفره بود که تعیین
دستورکار و راه‌بری جلسات مجمع
مدنی قانون‌گذاری را بر عهده داشت.
سقراط، هنگامی که این شورا پیشنهادی
تاریخی را بررسی می‌کرد، عضو آن
بود. پیشنهاد آن بود که گروهی از
ژنرال‌های آتنی را به‌صورت یکجا
محاکمه کنند. دلیل محاکمه آن بود که
آن‌ها از انجام وظیفه خود در رابطه با
خدمه کشتی‌های جنگی آتنی، که در
یک جنگ دریایی غرق شده بودند،
به‌طور مجرمانه کوتاهی ورزیده بودند.
از دیدگاه سقراط، محکوم‌کردن ژنرال‌ها
به‌عنوان یک گروه، به‌جای بازداشت
آن‌ها برای محاکمه انفرادی، از نظر
آیین دادرسی نادرست است. از نگاه او،
این کار برخلاف اصولی است که به هر
متهم آتنی اجازه می‌دهد به‌صورت
انفرادی در دادگاه حاضر شود. سقراط
با رای‌گیری درباره این پیشنهاد مخالف
بود، اما دیگر اعضای مجمع نظر او را
نپذیرفتند. او عقیده داشت که محاکمه
گروهی اشتباهی فاحش خواهد بود،
اما او منظور خود را بیان کرده بود:
هنگامی که شهروندان مسئول برای
اجرای قوانین اشتباه می‌کنند یا حتی
ترجیح می‌دهند که آن‌ها را نادیده



مهرالدن شید

از شاه بزرگ تاریخی تا شاه بزرگ استراتژیک امریکا

بخش دوم و آخر

دیدیم که امریکا با هزینه کردن یک تریلیون دالر در افغانستان به حداقل
از اهداف خود هم در این کشور نرسید. امریکا افغانستان را به بزنگاهی
جنگ نیابتی کشور های منطقه و جهان بدل کرد و شورشگری در افغانستان
را چنان به اوج رساند که اکنون خود به دامن تروریسم سقوط کرده است؛
اما روسیه با حمایت از طالبان چند گام پیشتر از امریکا گذاشت و برنامه
های راهبردی ضد روسی امریکا را در همکاری با چین و ایران در نقطه
خنتی کرد. آمریکایی‌ها حتا نتوانستند با برچیدن بساط داعش در سوریه
و حتا انتقال آن به شمال در سرحدات سنتی روسیه نفوذ کنند. هرگاه
امریکا می‌دانست که روزگار کنونی در مبارزه با تروریسم بر سرش می
آید و بیش از ۲۳ تریلیون دالر قرضدار می‌شود؛ اما نفع این جنگ به
جیب مافیای نظامی امریکا افتاده است. این سبب شد تا امریکایی
ها با حضور نظامی شان در افغانستان بجای مبارزه با تروریسم برعکس
شورشگری را دامن زدند و بجای سرکوب تروریستان متوجه قاچاق مواد
مخدر و حتا احجار قیمتی شدند و آنقدر به این ماموریت خود تمرکز
کردند که مبارزه با تروریسم به ماموریت ثانوی آنان بدل شد.
بدون تردید مقام های کاخ سفید بر اساس نظریه هانتینگتون مبنی بر
جنگ تمدن ها، به آرزوی تحقق جنگ تمدن ها در حوزه تمدن و فرهنگ
اسلامی آنهم بخاطر استقرار حکومت جهانی لیبرالیسم بر اساس نظریه
فوکویاما هفت تریلیون دالر را در جنگ های سوریه و عراق و یمن هزینه
نی کردند. هرچند با تخریب بخشی از تمدن عراق و سوریه مثل نابودی
آثار پالمیرا به اهدافی رسیدند که با توجه به هزینه های شان در جنگ
شرق میانه ناچیز است. اگر ترامپ چنین اشتباه راهبردی را مرتکب

ادامه ص ۳

بررسی استراتژی های دودهمه اخیر آمریکا در افغانستان

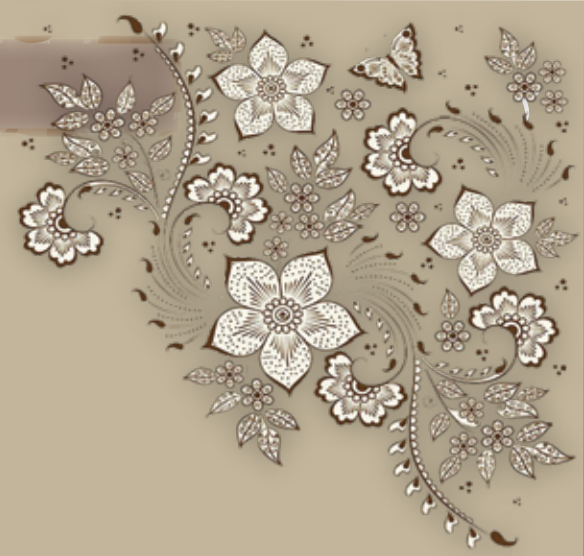
زهرامحمودی



بخش چهارم
۴- نگاه بین‌المللی و منطقه
- ای به رویکرد آمریکا در فرآیند
صلح افغانستان با توجه به ادامه
بحران سیاسی داخلی میان سیاست
مداران افغانستان در ارتباط با تشکیل
حکومت همه شمول، اختلاف میان دولت
کابل با طالبان در خصوص نحوه آزادی زندانیان،
عدم شروع مذاکرات بین‌الافغانی و ادامه
درگیری‌های نظامی میان نیروهای دولت و طالبان
و... مشخص است که روند گفتگوها میان خود
افغان-ها بسیار زمان-برتر از گفتگوهای میان
آمریکا و طالبان خواهد بود. هر چند هدف اصلی
دولت ترامپ، دست-یابی به توافق با طالبان
جهت خروج نیروها و تضمین ادامه فعالیت
پایگاه-های آمریکایی و استفاده از این قرارداد
در زمان تبلیغات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰
بود و خلیل-زاد توانست با امضای موافقتنامه
رسیدن به صلح در افغانستان که محتوای
بسیاری از بندهای آن هنوز مخفی مانده است،
اهداف آمریکا را عملیاتی کند. اما با توجه به
تأثیرپذیری روسیه، چین و ایران (به عنوان رقبای و
دشمنان آمریکا) از اوضاع افغانستان و نیز ضرورت
پرداخت هزینه-های امنیتی این کشور توسط
سایر کشورها، آمریکا در نظر دارد تا جهت مهار
چین و روسیه و نیز اعمال فشار بیشتر بر ایران،
این کشورها را نیز در قالب مدنظر خود درگیر
مسائل افغانستان کند و هزینه-های آن-ها
را افزایش دهد. در واقع، هدف دولت ترامپ
این است که پیامی را به سایر قدرت‌هایی که
در داخل افغانستان حضور دارند ارسال کند که
این کشورها هم باید در هزینه‌ها شریک شوند.
فشارهای موجود بر این مبنا است که در صورت
خروج آمریکا، مجدداً ناامنی به این منطقه باز
خواهد گشت. لذا اگر کشورهای دیگر خواهان
بازگشت ناامنی به افغانستان و منطقه نیستند،

ادامه ص ۳

ادامه ص ۲



فرق ثروتمندان با فقرا در این است که؛ ثروتمندان همه پول شان را سرمایه گذاری می کنند و بقیه را خرج می کنند ولی فقرا همه پول شان را خرج می کنند و بقیه را سرمایه گذاری می کنند.

”چیم ران“

سقراط چگونه شهروندی بود؟

ادامه

مردم امروزه «خرد جمعی» ۵ می‌نامند، ارزشی قائل نبود و آن را تحقیر می‌کرد. دموکرات‌های آتنی نفرت او را بر می‌انگیختند؛ آن‌ها اظهار می‌کردند در مورد امور مهم جمع و گروه به‌طور یکجا احتمالاً بهتر از هر فرد متخصصی می‌تواند تصمیم بگیرد. صرف‌نظر از اینکه آیا، به‌صورت بالفعل، متخصص در هنر سیاست وجود داشت یا خیر، سقراط به‌طور حتم فرض می‌کرد چنین متخصصی ممکن است وجود داشته باشد و آتنی‌ها، درحقیقت، خود را فریب می‌دادند که فکر می‌کردند به‌طور دسته جمعی خردمند هستند. چگونه سقراط هم ایده خرد جمعی را تحقیر می‌کرد و هم، در عین حال، حتی هنگامی که با چگونگی تفسیر قوانین آتن مخالف بود، از آن‌ها پیروی می‌کرد؟ پاسخ اولیه در بنیانی نهفته بود که آتن، مثلاً در تقابل با دولت اسپارت، از طریق قوانین و فرهنگ سیاسی خود فراهم می‌آورد. در آتن، آزادی بیان در اماکن عمومی و روداری برای گستره وسیعی از رفتار خصوصی الزامی بود. به‌علاوه، قوانین آتنی در رابطه با مسائل اخلاقی، شامل دین‌داری، بیشتر صوری بود تا محتوایی. بنابراین، قانونی که بی‌دینی را ممنوع اعلام می‌کرد دین‌داری را تعریف می‌کرد. این هیئت‌منصفه بود که باید تصمیم می‌گرفت آیا رفتار یا عمل خاصی خارج از چارچوب هنجارهای جامعه است یا خیر. درعوض، قوانین فرایندی ویژه را در اختیار جامعه قرار می‌داد تا، طبق آن، تصمیم خود را اتخاذ کنند. این ایهام محتوایی به‌سود سقراط بود، چراکه به وی اجازه می‌داد بدون آنکه نص قانون را زیر پا بگذارد، شیوه خاص زندگی خود را پی بگیرد.

مردم آتن همچون اسبی تنبل و زیبا هستند که شاید بتوان آن‌ها را با نیش خرمگس بیدار و سرزنده کرد سقراط می‌دانست که ترغیب دیگران به دست‌کشیدن از اهداف معمولی برای پیگیری فلسفه او را نامحبوب می‌ساخت. به‌گفته افلاطون، سقراط در سخنرانی دفاعیه خود روش خویش را آزمودن نظرات دیگران از طریق پرسش‌وپاسخ را به نیش دردناک خرمگس تشبیه می‌کند: ارزش نیش در آن است که، با واردآوردن ضربه‌ای به قربانی خود، او را از خواب‌آلودگی زندگی روزمره به لحظه‌ای از آگاهی اخلاقی بر می‌انگیزد. به‌گفته سقراط، در بهترین حالت، آن لحظه فرد را بر می‌انگیزد تا باقی عمر خود را به پیگیری خوبی‌های اصیل انسانی بگذارند. اما، همان‌طور که استعاره خرمگس در ادامه نشان می‌دهد، روی آوردن انفرادی به فلسفه، تمام آن چیزی نبود که سقراط به آن امید داشت. سقراط تشبیه خود به خرمگس را با تمثیل دیگری همراه می‌سازد که، طبق آن، مردم آتن همچون اسبی تنبل و زیبا هستند که شاید بتوان آن را با نیش خرمگس بیدار و سرزنده کرد. سقراط، در سخنرانی دفاعیه خود و همچنین در اظهارات واضح خود در دیگر منابع شامل دیگر رساله‌های افلاطون، نشان می‌دهد که او زندگی فلسفی خویش را کاری سیاسی و اخلاقی می‌دانسته است. هدف او چیزی کمتر از آن نبود که آتن را، به‌عنوان یک اجتماع مدنی، به جامعه‌ای عدالت‌محور تبدیل کند.

سقراط احتمالاً دریافته بود که تغییر عقاید تمام شهروندان هدفی نامحتمل است. او عقیده داشت که پیگیری مستقیم‌ترین شکل مشارکت سیاسی، پیشنهاد قوانین خاص یا دفاع از یک خطمشی کلی برای سیاست‌گذاری عمومی در مجمع شهروندان، برای او، ناممکن است. باوجوداین، او پایبندی خود به فلسفه را مأموریتی برای بهبود جامعه در نظر می‌گرفت. در فرهنگ سیاسی آتن از شهروندان خوب انتظار می‌رفت که استعدادها یا منابع خاص خود را نه صرفاً برای خود یا خانواده و دوستان بلکه به‌نفع جامعه

به بهانه سالروز تأسیس حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان

هفته ای که در آن قرار داریم، مصادف است با تأسیس حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان، به ریاست محترم استاد ابوالحسین «یاسر». بدین بهانه سرمقاله هفته نامه حاما را بدان اختصاص بخشیده ایم.

چگونگی تأسیس حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان

۱_ ابوالحسین «یاسر» از چهره های نخبه و از کلیدی ترین اعضای حزب حرکت اسلامی بوده است. ایشان در دوران جهاد، مسئولیت های بزرگ حزبی را در کابل عهده دار بوده و بعد از آن که حزب حرکت اسلامی مردم افغانستان قامت بر می افرازد، استاد «یاسر» معاونت این حزب را بدوش داشته است. هدف از تذکر موارد فوق اینست که این حزب، همان حزب مقتدر حرکت اسلامی افغانستان بوده که نه تنها ابوالحسین یاسر بل بسیاری از شخصیت های دیگر اکنون همراه با ریاست این حزب به فعالیت های سیاسی و مدنی سر گرم جدوجهد استند.

قانونمداری

۲_ درنظام های دموکراسی، تمام فعالیت های سیاسی-اجتماعی، مدنی، فرهنگی وحتا دینی بدون مجوز مرجع مربوطه، حق فعالیت را ندارند. آنگاه که مجوز گرفت و به قانون احترام گذاشت، میتواند وارد فعالیت و تعاملات سیاسی- اجتماعی شوند. اعضا و هواداران این حزب، شیفته ی خدمت به کشور شان بوده است. اما خدمت به کشور، تنها از مجاری قانون میتواند، ممد توسعه همگانی، ترقی و انکشاف گردد. فعالیت های سیاسی- اجتماعی اگر قانون گرایانه نباشد، موجب آتارشیسم، آشفتگی، بی سروسامانی و هرج و مرج خواهد شد. به تعبیر دیگر، اگر شهروندان یک کشور نسبت به قانون اساسی تفریط یا افراط ورزد، سقوط همه جانبه و سیه ترین انحطاط را به دنبال خواهد داشت. بنا براین وقتی حزب مطابق چارچوب قانون اساسی و قانون احزاب سیاسی خود را عیار میسازد، نشاندهنده ی اینست که این حزب، کشور را هنجارمند و دارای نظم ووسپلین میخواهد.

حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان، برای اینکه از هنجار شکنی و قانون ستیزی، اجتناب ورزد، در چارچوب یک جریان سیاسی، فعالیت، تلاش و رسیدن به حقوق مدنی شان را آغاز کرده است و استمرار خواهد بخشید.

اهداف

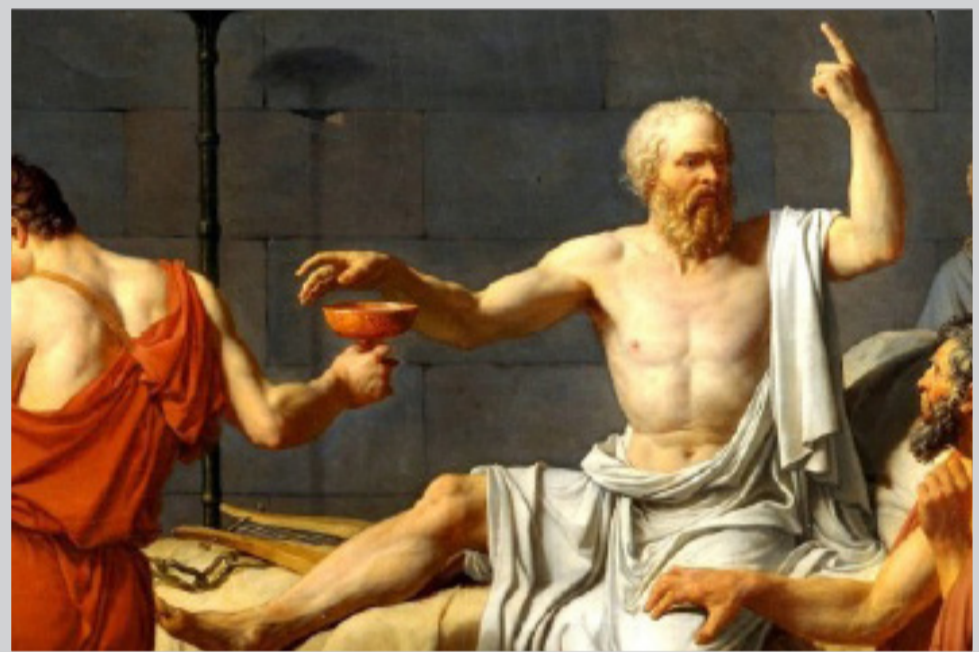
۳_ مقوله های دفاع از ارزش های اسلامی، مردم سالاری، عدالت سیاسی-اجتماعی، مشارکت سیاسی، بهره مندی از امتیازات و مساوی بودن پیشگاه قانون، بزرگترین دغدغه این حزب را تشکیل میدهد.

افغانستان کشوریست که سالها در زیر حاکمیت، حکومت های ملوک الطوائفی و استبدادی به سربرده، رژیم های خودکامه و طاغوتی، با شلاق های زورگویی و ستمگری پشت و پهلوی شهروندان کشور را آزرده اند. اکنون تلاش های مدنی در چارچوب احزاب سیاسی میخوانند تا بستری مساعد برای زیست انسانی شهروندان، دراین پهنه ی از خاک آماده گردد. تمام ساکنان این مرز و بوم، بطور عادلانه و یک سان به حقوق انسانی شان نائل شوند.

جلوه های فعالیت حزب

۴_ این حزب به ریاست محترم جناب استاد «یاسر» بعد از تأسیس تاکنون فعالیت های شان را در ابعاد وسیع سیاسی متمرکز ساخته و ازسوی دیگر، میخواهد پتانسیل بوجود آورد که دست کم در این برهه ی حساس، توانایی پاسداری از آرمان شهداء، ارزش های ملی و از دستاوردهای دموکراتیک سالهای اخیر را داشته باشند. به همین اساس تاکنون با احزاب همسو وجریان های سیاسی و نهادهای مدنی، نشست های سودمند و جلسات پی هم داشته است.

برای استمرار و تداوم چنین فعالیت های سیاسی و مدنی، این حزب جهد بیشتر و ایتار گیری بهتری بعمل خواهد آورد. از تمام دوستان و همراهان خویش میخواهد که با یکدنیای مقاومت و ایستادگی، محض به احترام ارزش های اسلامی و ملی جهدی های بیدریغی را داشته باشیم.



کتاب تاریخ جنگ پلپونز، اثر توسیدید، به او نسبت داده شده است) «از دیدگاه ما، شهروندی که در این وظایف عمومی ایفای نقش نمی‌کند فردی راحت طلب نیست، بلکه موجودی بی‌فایده و بی‌خیر است». ایفای نقش در کارهای عمومی بخشی، شاید بزرگ‌ترین بخش، از معنای انسان کامل بود. سقراط نه ثروتمند بود، نه رفاص و نه خواننده‌های ماهر. استعداد او در این نهفته بود که ارزش زندگی سنجیده را بازمی‌شناخت و به آن پایبند بود. او در پی گفت‌وگوی اخلاقی بود، در فضای عمومی میدان شهر، جایی که مرتباً می‌شد او را در کنار میزهای صرافان مشاهده کرد. این عمل درواقع ایفای وظیفه شهروندی او بود. هر دفعه گفت‌وگویی اخلاقی و، بدین ترتیب، استعداد خاص خود را در خدمت جامعه به کار می‌بست.

واکنش کسانی که با نیش خرمگس گزیده می‌شوند معمولاً سپاسگزاری نیست؛ درعوض، اغلب شاید انگیزه‌ای مرکب از پندارند که به حیات آن موجود منقور پایان دهند. سقراط، به‌مدت چند دهه پیش از محاکمه خود، وظایف نیش‌زنی خویش را به‌طور روزانه انجام داده بود. او مرتب این کار را در شهر آتن انجام می‌داد، مگر هنگامی که برای انجام وظایف نظامی در بیرون از شهر بود. باوجود تحریک‌آمیزبودن تقاضاهای مداوم سقراط برای اینکه شهروندان از لذت‌های زندگی معمولی به‌نفع فلسفه دست بکشند و باوجود ریشخند او بر ایدئولوژی دموکراتیک، آتنی‌ها تا زمان محاکمه سقراط در سال ۳۹۹ ق.م موفق نشده بودند و او را به زیر بکشند. پرسش بدیهی این است که چه چیزی تغییر کرده بود؟ پس از چند دهه، چه چیزی رخ داد که تعقیب قضایی، محاکمه و اعدام سقراط را کلید زد؟ سخنرانی دفاعیه سقراط نمایی از شجاعت مدنی ژرف بود دیدگاه آتنی‌ها درباره آزادی بیان تغییر نکرده بود. پایبندی آتنی‌ها به اصل آزادی بیان به‌طور استوار پابرجا بود و تمام شهروندان با حقی برابر می‌توانستند نظرات خود را بیان کنند. اما آتنی‌ها همچنین سخن را نوعی کنش در نظر می‌گرفتند که به‌طور بالقوه می‌تواند پیامدهای ژرفی داشته باشد. شهروندان در قبال پیامدهای عام کنش‌های عمومی خود مسئول بودند. هر شهروند آتنی که در میان عموم، در شورا، در مجمع یا حتی در میدان شهر سخن می‌گفت می‌توانست انتظار داشته باشد که برای پیامدهای سخن خود مسئول شمرده شود. برای مثال، اگر او سیاست خاصی را تبلیغ می‌کرد و این سیاست خیر و منفعت به بار می‌آورد، او می‌توانست انتظار ستایش و سربلندی داشته باشد. اگر نتایج سیاست او باعث آسیب به رفاه جامعه می‌شد، ممکن بود او بدین خاطر سرزنش و مجازات شود.

ادامه دارد



بررسی استراتژی های دودبه اخیر آمریکا در افغانستان

زهر محمودی



غیررسمی، از طریق حضور طالبان در قدرت نیز مدنظر دارد. مشخص است که هند (به عنوان دشمن پاکستان) می-داند که حضور رسمی طالبان در قدرت و نفوذ پاکستان بر این گروه باعث ایجاد محدودیت-هایی برای نقش-آفرینی دهلی در افغانستان خواهد کرد. به نظر می-رسد توافق میان طالبان و آمریکا، در جهت تأمین منافع پاکستان در افغانستان است. در روند مذاکرات بین-الافغانی نیز که برگزاری آن جزو مفاد توافق-نامه میان طالبان و آمریکا می-باشد، به احتمال زیاد تلاش خواهد شد که نقش رقبای پاکستان در افغانستان (از جمله ایران و هند) تضعیف شود. در ضمن، با توجه به مخالفت برخی از عناصر طالبان با امضای توافق-نامه صلح با آمریکا، احتمال دارد که این عناصر ناراضی در قالب گروه-های دیگر مانند داعش به فعالیت بپردازند که پاکستان باز هم توانایی مدیریت و استفاده از آنها در روند مد نظر خود را خواهد داشت. مذاکرات و دیدارهای اخیر خلیل-زاد از پاکستان احتمالاً به دلیل استفاده از نفوذ این کشور بر طالبان جهت موضوع کاهش خشونت-ها در افغانستان می-باشد، موضوعی که اشرف غنی از آن به عنوان چالش اصلی فراروی صلح یاد کرده است.

ادامه دارد

باید در هزینه های آمریکا در افغانستان شریک شوند. کشورهای منطقه و فرامنطقه نیز در قبال رویکرد آمریکا در فرآیند صلح افغانستان دیدگاه-های خود را دارند که در ذیل به بررسی آنها می-پردازیم:

۴- پاکستان همواره به طور رسمی تأکید می کند که وجود یک افغانستان باثبات، آرام، و مستقل به نفع منافع اسلام آباد نیز خواهد بود، اما سیاست های عملی پاکستان نشان داده است که وجود بحران در افغانستان و حمایت از بی-ثباتی ناشی از فعالیت گروه-های تروریستی می-تواند به عنوان عامل بازدارنده جهت گسترش حضور و نفوذ هند در افغانستان و نیز عدم پیگیری موضوع خط دور هستند توسط دولت کابل شود. در فرآیند مذاکرات صلح، آمریکا نیز به دلیل آگاهی از میزان نفوذ آی.اس.ای پاکستان بر طالبان نتوانست نقش اسلام-آباد را نادیده بگیرد و علی-رغم خط و نشان کشیدن اولیه ترامپ برای پاکستان، از ارتباط این کشور با طالبان و رهبران این گروه جهت پیشبرد گفتگوهای صلح استفاده کرد. با امضای توافق-نامه صلح میان طالبان و آمریکا که منجر به افزایش وزن، جایگاه و مشروعیت طالبان در افغانستان گردید، پاکستان نیز با رضایت از این موضوع، پیگیری اهداف خود را در کنار کانال های

از اشتباه بزرگ تاده نمی تا اشتباه بزرگ استراتژیک امریکا

مهرالدن شید



اهداف خود هم نرسد. حال هوای بازیگران کاخ سفید به قماربازانی می ماند که در پایان باخت، شال خود را در شانه افکنده و با این سخن که « ما سال ها باختم» دل خوش می نماید؛ اما در آتش جنگ امریکا زیر نام مبارزه با تروریسم دیروز و امروز افغانستان یگانه بازنده است و در بازی فردا هم بازنده اصلی افغانستان خواهد بود. دیده شود که این آتش تا زمان برگزاری انتخابات چگونه دامن خواهد گشود، مشتعل می شود و یا مهار که در پایان آن دو گزینه قابل حدس است. یکی این که ترامپ با پیروزی خود فصل تازه ای را در رکاب طالبان می آورد و یا این که در صورت پیروزی «جو بایدن» و ناسازگاری او با طالبان و پاکستان سناریوی تازه ای را در دست اجرا خواهد گرفت که بقای بازیگران کنونی در آن به صفر تقرب کند. زمانی که امریکا با آن همه سیاستگران زیرک و مکار و با پشتوانه اقتصادی بزرگ و بالاخره با همان عرض و طول سیاسی و نظامی در جنگ افغانستان شکست خورد و این شکست رئیس جمهور آن را به بی هووه گویی و یاوه گویی کشانده است و ناگزیرانه سخن از زیرکی و هوشیاری کسانی می زند که دیروز با وحشی خواندن آنان با چنگ و دندان بر آنان می تاخت. پس جنگی که کمر «ترامپ» ها را شکسته است و کمر رهبران و سیاستگران افغانستان را به ساده گی می شکند. حال زمان آن رسیده است که زمامداران و سیاستگران افغانستان جمع طالبان پیش از آن که در کوره این جنگ ذوب شوند، هر کدام از خواست های حداکثری خود بگذرند و با عبور از خط سرخ جمهوریت و امارت به نقطه وسطی تمکین کنند که به جمهوریت و امارت به مثابه یک سکه در دو روی آن جلوه کند. مردم افغانستان چنان در آتش فساد جمهوریت و ستم امارت سوخته اند که اندک ترین امیدی به هر دو ندارند. بنابراین یگانه بدیل رسیدن به همان نقطه مشترک است و در غیر آن فاجعه هولناکی کشور را تهدید خواهد کرد و در آن حال هر نوع دلبستگی دو طرف به نیرو های خارجی و حمایت های خارجی نه وسیله نجات و بل معنای آشکار بازی با سرنوشت مردم افغانستان را دارد. حمایتی که نقطه صفری اش رسیده و ترس آن می رود که روزی مردم افغانستان از خواب بلند شوند که «جای است و جولا نه».

می شد و به نقطه بازگشت افتضاح بار کنونی تمکین می کرد که از ناگزیری ها طالبان را گروه زیرک بخواند و شراکت و گفت و گو با آنان را به گفته مشاور پیشین خود خلاف منافع ملی آمریکا سودبخش بخواند. چنانکه «اچ آر مک ماستر»، مشاور پیشین امنیت ملی امریکا، اخیراً در گفت و گو با شبکه ی خبری CBS، سیاست های دونالد ترامپ در برابر افغانستان را غیرعقلانه خوانده و گفته است که خروج نیروهای امریکایی از افغانستان، تهدیدها علیه این کشور را بیشتر کرده است. آقای ماستر، افزوده است: «دونالد ترامپ زندگی امریکایی هایی را که در افغانستان کشته شده اند، با دادن امتیازهای زیاد به طالبان، ارزان کرده است.» اظهارات مک ماستر دلالت به نگرانی های روزافزون امریکایی ها نسبت به عواقب جنگ امریکا در افغانستان دارد و این نشان می دهد که جنگ امریکا برای امریکایی ها به تعبیری حیثیتی شده و به جنگ ناموسی بدل شده است. این اظهارات ماستر زمین گیر شدن دوباره نیرو های امریکایی در افغانستان را می دهد که کاخ سفید از آن تجربه خوب ندارد. هرچه باشد این نظریه نمایانگر اختلاف نظر در امریکا در پیوند به جنگ افغانستان است که در هر حالی بحیث میراث شوم در آن کشور باقی خواهد ماند. بهتر بود که آمریکا پس از سقوط طالبان نیروهایش را از افغانستان بیرون و در امور افغانستان مداخله نمی کرد و کمک های مالی و اقتصادی اش را به افغانستان ادامه می داد و برای مردم افغانستان فرصت می داد تا همه گروه ها و اقوام با هم می نشستند و بدون دخالت آمریکا زعیم موقت را انتخاب می کردند. هرگاه چنین می شد، بهانه ای برای جنگ طالبان و مداخله پاکستان در افغانستان باقی نمی ماند. اکنون فاجعه با این گسترده گی در افغانستان دامن می گشود. در این صورت مردم افغانستان و حتی جهان از شر تروریسم رهایی می یافتند. برای پاکستان بهانه و فرصت می ماند تا به تریه و آموزش و صدور تروریستان به افغانستان اقدام کند. در آن صورت تروریسم به قوت کنونی دوباره بازگشت نمی کرد؛ بلکه آخرین مهره های آن در پاکستان نیست و نابود می گردید. اشتباه تاریخی امریکا در افغانستان سبب شد تا از رسیدن به اهداف استراتژیک خود هم فرسنگ ها فاصله بگیرد و به حداقلی از

سخنرانی چیست...



وقت سخنرانی تحت تأثیر قرار میگیرند، دست و پاچه شده و رنگ چهره ای شان سرخ می شود. لکنت زبان پیدا می کنند خود را در لباس خود مشغول می سازند و موضوع هم فراموششان می شود. * فکر می کنند کم ارزش هستند و حرف های را که هم می گویند بی جا و بی فایده خواهد بود. راه حل: ۱: صدای تان را دوست بدارید. ۲: قد، وزن و قیافه تانرا همان گونه که هست بپذیرید و دوست داشته باشید. ۳: مخاطبان تانرا هم به عنوان افراد عالی ولایق بپذیرید. ۴: به هیچ وجه بین خود و دیگران تفاوت قایل نشوید و بپذیرید که همه ما یک انسان هستیم و دارای یک ارزش می باشیم چون روح خداوند متعال در وجودمان جاریست.

- * همیشه از کلمه های چون میتوانم و میشود، استفاده کنید.
- ۲: نیاز به داشتن هدف - یعنی تصور نتیجه نهایی است.
- مثلاً لباسی را که می دوزید چگونه باید باشد و به همین خاطر است که در اول شما یک تصویر را از کتلاک انتخاب می کنید.
- در سخنرانی هم اول نتیجه سخنرانی تان را مشخص کنید که هدف نهایی شما از این سخنرانی چیست؟ بعد نظر به هدف تان محتوی آنرا آماده سازید.
- ۳: نیاز به داشتن حرمت نفس بالا.
- حرمت نفس یعنی شناختن خود، دوست داشتن خود و پذیرفتن خود منحصراً یک فرد دوست داشتنی منحصر به فرد، با اهمیت و با ارزش است.
- * در سخنرانی اگر شما خود را نپذیرید و دوست نداشته باشید دیگران ابداً شما را نخواهند پذیرفت و دوست داشت.
- * نشانه های کسانی که در سخنرانی دارای حرمت نفس پایین اند:
- * خود را با مخاطبان مقایسه می کنند.
- * از صدا، قد، وزن، قیافه و لباس خود شرم دارند.

زندگی نامه شهید علی مرتضی انصاری

فرمانده شهید شجاع خداکار و ایثارگر علی مرتضی انصاری که یک تن از فرماندهان شجاع و ایثارگر و خداکار جهاد بود بعد از کودتای ۷ تیر ۱۳۵۷ در سن نهایت خردسالی به عضویت حرکت



اسلامی در آمد تعلیمات نظامی را با جمع از مجاهدین دیگر فرا گرفت و راهی جبهات و مبارزه گردید و در اکثریت پایگاه های حرکت اسلامی و جبهه های جهاد و مبارزه مخصوصاً پایگاه ۱۴ میدان وردک جبهه سنگلاخ پایگاه های پنج قره باغ - پایگاه ۲۳ جغتو و لایبت غزنی حضور به هم میرساند و مجاهدین پایگاه های یاری و کمک می نمود. فرمانده شهید انصاری بعداً به

حیث قوماندان نظامی پایگاه ۱۳۳ حضرت ابوالفضل خواجه عمری خدمات زیادی را در عرصه جهاد انجام دادند از جمله با جمع از مجاهدین پایگاه ۳۳ جغتو قرارگاه جهادی را در ساحه گدول های مین شهر ولایت غزنی ایجاد نمودند و از آنجا حربه بالایی پوسته های شهری ولایت غزنی عملیات نظامی را بر راه می انداختند. شهید انصاری به تاریخ ۱۳/۱۰/۱۳۷۴ با شریک توسط ناجران و گروه مخالفین با جمع از مجاهدین به شهادت رسیدند.

روحش شاد و یادش گرامی باد

دو دلم تا غزل ناب تو را بنویسم!!!

سوشیانت سجادى

دو دلم تا غزل ناب تو را بنویسم
یا که مبهوت؛ ز چشمان شما بنویسم
ایکه از چشم تو صد چشمه ی عاشق جوشد
جان من! خود، تو بگو من از کجا بنویسم
غزل ناب من از شادی و شیرینی توست
پس زغیر تو و چشم تو چرا بنویسم؟
شعر من بی تو یکی بود و یکی خواهد ماند
تو بیا تا که ازین پس من و ما بنویسم
بعدیک عمر تن و جان و دلم میلرزد
که منم، ما نشود، تو را جدا بنویسم
ایکه هر واژه ی من خاطره ای از لب توست
خود، تو یاری کن ازین خاطره ها بنویسم
بعد یک عمر که بیخواب و پریشان توام
نفسی ده که ازین خواب تما بنویسم
بغض کرده قلم، نگاهتان را دیده
مانده ام چطور ازین حال و هوا بنویسم
تو فقط بدان که این لوح و قلم تا باشد
عهد کردم غزل چشم شما بنویسم

مسأله حجاب از دیدگاه اسلام و قرآن

دکتر محسن کدیور

تعریف کرده است: «هر معصیتی که عذاب آتش جهنم یا عقاب بر آن وعده شده باشد، یا با آن به شدت تمام برخورد شده باشد، یا همانند یا بزرگتر از برخی گناهان کبیره معرفی شده باشد، یا عقل بر کبیره بودن آن حکم کند، یا در ارتکاز متشرعه چنین باشد، یا نصی بر کبیره بودن آن وارد شده باشد.» آنگاه ایشان چهل و پنج گناه کبیره را مثال زده است. (تحریر الوسیله، القول فی شرائط إمام الجماعة، ج ۱، ص ۲۷۵-۲۷۶) که حجاب جزء آنها نیست.

با ملاکهای برشمرده در فتوای فوق عدم رعایت حجاب گناه کبیره نیست، زیرا در هیچ آیه ای قرآن بر تارک آن وعده عذاب داده نشده است. در سنت رسول الله (ص) و سیره ائمه (ع) هیچ موردی از اجبار یا مجازات در امر حجاب گزارش نشده است. در هیچ «روایت معتبری» برای تارک آن عقاب وعده داده نشده است. کبیره بودن آن اجماعی نیست. دلیل عقل یا سیره عقلا بر جواز مجازات آن دلالت نمی کند. ارتکاز متشرعه در طول تاریخ بویژه صدر اسلام نیز بر جواز مجازات آن دلالت ندارد.

نتیجه اینکه به فتوای آیت الله خمینی که کلیه ارکان نظام جمهوری اسلامی مقلد وی هستند و قوانین آن نیز بر اساس فتوای وی نوشته شده است، چون ترک حجاب شرعی گناه کبیره نیست، حاکم شرع مجاز به تعزیر تارک آن نمی باشد. عدم جواز تعزیر معنایی جز مردود بودن اجبار قانونی ندارد. یعنی حجاب اجباری مطابق فتوای بنیانگذار جمهوری اسلامی هم فاقد جواز شرعی است.

بطور کلی تعزیر بر ترک واجب یا فعل حرام نیاز به نص معتبر شرعی دارد و عمومات هم ناتوان از اثبات در موارد غیرمنصوص است. یکی از موارد غیرمنصوص تعزیر بر ترک حجاب است.

اجبار بر بی حجابی خلاف شرع می باشد. اجبار بر رعایت حجاب نیز فاقد مستند معتبر شرعی و در نتیجه خلاف شرع است. حجاب با رعایت حدود شرعی آن اختیار زنان مؤمنه است.

درباره مبحث حجاب توضیحاتی مختصری از حجت الاسلام دکتر محسن کدیور یک تن از روشنفکران دینی، پژوهشگر، نویسنده، نظریه پرداز و یکی از شاگردان ممتاز مرحوم آیت الله منتظری تقدیم میشود که درباره جواز یا عدم جواز مشروعیت بکار بردن اجبار برای رعایت حجاب و تعیین مجازات قانونی برای بانوانی که آن را به طور کامل رعایت نمیکنند.

خلاصه

اجبار بر بی حجابی خلاف شرع است. حجاب با رعایت حدود شرعی آن، اختیار زنان مؤمنه است. درباره «ساتر شرعی» که از آن به «حجاب» شرعی تعبیر می شود، و فعلاً در پوشاندن موی سر بانوان و پوشیدن روسری متمرکز شده در دو مقام می توان بحث کرد، یکی بحث درباره ابعاد شرعی آن به عنوان یک فعل ایمانی و تکلیف شرعی، دیگری درباره جواز یا عدم جواز مشروعیت بکار بردن اجبار برای رعایت حجاب و تعیین مجازات قانونی برای بانوانی که آنرا بطور کامل رعایت نمی کنند. درباره مقام دوم یعنی حجاب اجباری، تعیین مجازات برای ناقضین حجاب توسط مجلس شورای اسلامی ایران در سال ۱۳۷۲ چنین صورت گرفته است: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار تومان جزای نقدی محکوم خواهند شد» (قانون مجازات اسلامی، تبصره ماده ۶۳۸). این ماده از قانون مدنی برگرفته از فتوای مرحوم آیت الله خمینی است: هر کسی که واجبی را ترک یا حرامی را مرتکب شود امام (ع) یا نایبش می تواند او را تعزیر کند به شرط اینکه آن امر از کبایر باشد. تعزیر کمتر از حد است و مقدار آن به دست حاکم شرع است... (تحریر الوسیله، ج ۲ ص ۴۷۷، کتاب الحدود، فروع حد القذف، الخامس)

بر اساس فتوای فوق بی حجابی یا بدحجابی اگر بخواهد شرعاً مشمول تعزیر واقع شود، عدم رعایت حجاب باید از گناهان کبیره محسوب شود. مرحوم آیت الله خمینی گناهان کبیره را اینگونه

